



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گفت و گوی
صبا با
مجید کیانیان،
مترجم کتاب
«صحنه نویسی»

سفری به

جزئیات فراموش شده فیلمنامه

جزیه‌بزه کنش‌ها را بررسی کند و بفهمد چرا یک صحنه خوب است. به همین دلیل می‌گویم کتاب «سفر» است؛ اگر فقط فصل آخر را بخوانیم، نکته‌هایی می‌گیریم اما بهره‌ی کامل زمانی است که کل مسیر را طی کنیم و تغییرات تدریجی نگاه خود را ببینیم.

بازخورد مخاطبان چطور بود؟

خوشبختانه بازخوردها مثبت بود. بعضی دوستان فیلمنامه‌نویس بلافاصله بعد از گرفتن کتاب تماس می‌گرفتند و از زبان ساده‌ی آن تعریف می‌کردند. حتی یکی از اساتید دانشگاه گفت این کتاب را برای درس «فیلمنامه‌نویسی پیشرفته» به دانشجویان معرفی خواهد کرد. البته انتشار کتاب هم‌زمان شد با جنگ ۱۲ روزه و صنعت نشر ضربه خورد؛ بسیاری از ناشران خصوصی چک‌هایشان برگشت خورد. با این حال استقبال بد نبود و حتی در برخی سایت‌ها فروش این کتاب از ترجمه‌ی قبلی‌ام، «تاریخ موج نو سینمای ایران»، بیشتر شد. چون کتاب آموزشی است، عمده‌ی فروشش در ایام تحصیلی دانشگاه‌ها اتفاق می‌افتد. با وجود اینکه هنوز سال تحصیلی شروع نشده است، فروش اولیه رضایت‌بخش بود و نشان داد نیاز به چنین منبعی واقعی است.

پروژه‌ها و برنامه‌های بعدی شما چیست؟ و کمی هم درباره‌ی وضعیت قراردادهای مترجمان بگویید.

کتاب‌هایی در دست چاپ دارم مثل «سفر به وادی هول» درباره‌ی بومی‌سازی ژانر وحشت، «اقتباس در تئاتر معاصر» و پروژه‌هایی در حوزه‌ی اقتباس سینما و ادبیات. همچنین در حال کار روی ترجمه‌ی کتابی از دیورا کارتل درباره‌ی مفهوم اقتباس هستم و با مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی هم گفت‌وگو‌هایی کرده‌ام. اما اوضاع بازار نشر سخت است. هرچه سرانه‌ی مطالعه پایین‌تر باشد و ناشر خصوصی تحت فشار، مظلوم‌ترین حلقه مولف و مترجم است. قراردادهای معمولاً درصدی از قیمت روی جلد است و همان هم سه تا شش ماه بعد از انتشار تازه تسویه می‌شود، آن هم اگر بشود. بعضی ناشران می‌گویند پول پیش نمی‌دهیم، یا حتی کتاب هم نمی‌دهیم. این وضعیت مترجمان را در تنگنا قرار می‌دهد. به‌نظر من اگر حمایتی ساختاری نباشد، مترجمان و نویسندگان مستقل نمی‌توانند دوام بیاورند. ما که در حوزه‌ی هنر و سینما کار می‌کنیم بیشتر از همه به منابع به‌روز نیاز داریم، اما وقتی قراردادهای این‌قدر ناعادلانه است، انگیزه‌ی مترجم هم کمتر می‌شود. امیدوارم شرایط تغییر کند و ارزش کار پژوهشی و آموزشی بیشتر از این شناخته شود.

مجید کیانیان، مترجم کتاب «صحنه نویسی» اثر کریس پری واریک هنری ساندرز کتابی که به‌طور تخصصی به «پرداخت صحنه» در فیلمنامه می‌پردازد، معتقد است منابع فارسی در حوزه‌ی فرم دچار فقر جدی‌اند. او در گفت‌وگو با صبا از دغدغه‌اش برای فراهم کردن منبعی به‌روز و کاربردی، چالش‌های ترجمه اصطلاحات حرفه‌ای، ضرورت بومی‌سازی فرمت در فیلمنامه‌نویسی و همچنین وضعیت سخت بازار نشر می‌گوید؛ از تجربه‌ی کار با متنی که «صحنه» را جزء به جزء تحلیل می‌کند تا دلیل اینکه چرا این کتاب باید مثل یک «سفر» خوانده شود. در ادامه گفت‌وگو خبرنگار صبا با او می‌خوانید.

زهرا طاهریان
گفت‌وگو



یک چیز است، اما در آموزش فیلمنامه و کارگردانی باید ساده و کاربردی نوشت. ما مترجمان تسهیل‌گر محتوا هستیم نه پیچیده‌ساز آن. به همین خاطر در ترجمه‌ی این کتاب کوشیده‌ام متن روشن باشد، به فارسی روان برگردانده شود و اصطلاحات، جاافتاده و دقیق استفاده شوند تا دانشجویان نویسنده‌ی جوان هم بتوانند بدون سردرگمی از آن استفاده کنند.

در فرایند ترجمه، بومی‌سازی چقدر اهمیت داشت؟

در سطح مفهومی خیر؛ چون زبان جهانی فیلمنامه‌نویسی مشترک است: سکانس، پلان، کنش، آغاز و پایان. اما در سطح قالب و فرمت بله. مثلاً نویسندگان کتاب توصیه می‌کنند برای جلب توجه تهیه‌کننده‌ها باید با فونت و اندازه‌ی استاندارد نوشت؛ این برای هالیوود است. من آن فصل را ترجمه کردم اما توضیح دادم در ایران به همان شکل کاربرد ندارد. یاد انگلیسی نام شخصیت‌ها را با حروف بزرگ می‌نویسند؛ ما چنین چیزی نداریم و نهایتاً می‌توانیم بولد کنیم. بنابراین بومی‌سازی بیشتر در سطح قالب بود تا محتوا. از سوی دیگر، بعضی مثال‌های کتاب به فرهنگ روزمره‌ی غربی متکی بود. در این موارد سعی کردم با توضیح کوتاه، مخاطب ایرانی را راهنمایی کنم تا ارتباط برقرار کند. چون اگر مثال گم شود، آموزش هم ناقص می‌شود.

ساختار کتاب چیست و چرا می‌گویید باید «سفر» وار خوانده شود؟

کتاب سه بخش اصلی دارد: برنامه‌ریزی، نگارش پیش‌نویس و بازنویسی. در ۱۴ فصل و حدود ۳۰۰ صفحه، مسیر طراحی ایده تا صیقل نهایی توضیح داده می‌شود. برای ملموس شدن آموزش، نویسندگان چند موقعیت داستانی طراحی کرده‌اند. یکی از آن‌ها دختری است که می‌خواهد استقلالش را به خانواده ثابت کند اما در یک کلاب کیفیتش جا می‌ماند و حالا باید از پس موانع مختلف برآید. همین موقعیت بارها تمرین می‌شود؛ دختر با نگاهی که بگوید؟ اگر این‌طور شد چه رخ می‌دهد؟ اگر آن‌طور شد چه تغییری می‌کند؟ این روند به خواننده می‌آموزد

چه شد سراغ ترجمه‌ی این کتاب رفتید؟ جای چنین منبعی در فارسی خالی بود؟

دوستانی که من را می‌شناسند می‌دانند همیشه دغدغه‌ی «فرم» دارم؛ چه در سینما، چه در تئاتر و چه در هنرهای تجسمی. برای همین سراغ موضوعاتی می‌روم که جای‌شان در منابع فارسی خالی است. کار اصلی‌ام پژوهش است و برای پروژه‌های مطالعاتی از نهاد‌های مختلف بودجه می‌گیرم. همین مسیر باعث شد به آسیب‌هایی برسیم؛ از جمله فقر منابع در حوزه‌ی فرم. در فیلمنامه‌نویسی آدم‌های باسواد زیادی داریم، اما اغلب کتاب‌ها یا کلی‌اند و در سطح کلان درباره‌ی فیلمنامه حرف می‌زنند یا روی «صحنه» با رویکردی به‌روز و کاربردی تمرکز ندارند. این کتاب دقیقاً همین خلأ را پر می‌کند؛ اینکه یک صحنه‌ی خوب چه ویژگی‌هایی دارد و چطور باید نوشته شود. خیلی از دوستان فیلمنامه‌نویس، چه حرفه‌ای و چه دانشجویی، از همین بابت از کتاب استقبال کردند. حتی بعضی‌ها گفتند برای کارگردان هم مفید است چون ریز کنش‌های صحنه را باز می‌کند و باعث می‌شود نگاه کارگردان نسبت به متن تغییر کند. این دغدغه‌ی فرم در کارهای دیگر هم هست؛ از «تاریخ هنر برای فیلمسازان» گرفته تا «فیلمسازی با بودجه صفر» و «سفر به وادی هول» درباره‌ی بومی‌سازی ژانر وحشت. همه‌ی این‌ها به خلأهای آموزشی در منابع فارسی پاسخ داده‌اند و کتاب «صحنه‌نویسی» هم از همین جنس است.

مهم‌ترین چالشی که در ترجمه داشتید چه بود؟

یکی از مشکلات رایج ترجمه این است که بعضی مترجمان به جهان‌گفتمانی اصطلاحات بی‌توجه‌اند. مثلاً واژه‌ی «اکشن» در روایت‌شناسی یعنی «کنش». اما گاهی معادل‌های عجیب انتخاب می‌کنند که مخاطب را پس می‌زند. من چون خودم کار عملی کرده‌ام و تدریس می‌کنم، با این‌ها واژگان زندگی کرده‌ام؛ برای همین معادل‌های درست را می‌شناسم و همان‌ها را به کار برده‌ام. به‌نظر من مترجم باید بداند برای چه سطحی می‌نویسد؛ کارشناسی، دکتری یا عموم. فلسفه

